

همه با هم، شاخص‌هایی داشتند و در نتیجه یک خانواده تاثیر خاصی را داشت. و بالاخره در گذشته خانواده یک فرمانروایی داشت. البته همین موارد در جوامع دیگر از نظر کم و کیف با هم تفاوت دارد. در فرهنگ غرب خانواده یک رابطه و پیوندی بین دو جنس مخالف به عنوان زن و شوهر است که احیاناً یکی دو فرزندی هم داشته باشند و همه‌شان هم زیر یک سقف زندگی بکنند. در خانواده غربی افراد تاثیرگذار تنها خود اعضا هستند و تصمیمات بزرگ‌ترها و فامیل در آن‌ها تاثیری ندارد.

به ذهنم می‌رسد در اسلام هم به یک معنا خانواده گسترده قابل تصور هست؛ اما نه به شکلی که احیاناً این‌ها مطرح می‌کنند، البته لازمه‌اش این است که اصلاحاتی هم در این رابطه پدید بیاید. شما نگاه کنید به عنوان مثال صله رحم یکی از مفاهیمی است که در اسلام وجود دارد که صرفاً یک ارتباط و حال و احوال پرسی از فامیل نیست، بلکه متناسب با افراد و اشخاص، موقعیت و شرایط اقتصادی و شرایط مختلف میان افراد، شکل‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد. صله رحم، واجب است، نه این‌که صرفاً یک امر مستحبی باشد و البته مقول به تشکیک است. از نظر فقهی برخی از مراتبش را نمی‌توانیم بگوییم واجب است بلکه اجمالاً وجوب در برخی مراتب وجود دارد. آن‌جا هم محور، رَحِم بودن است. رحم بودن شامل چه افرادی می‌شود؟ بالاخره عمو، عموزاده، دایی، دایی زاده، خاله، خاله زاده و نوه‌ها، نتیجه‌ها، نیره‌ها، جد، اجداد، جدات همه این‌ها می‌تواند باشد؛ دایره‌اش بسیار وسیع است.

□ در اسلام تعریفی درباره رحم به این صورت آمده است؟

■ بله. در اصل رحم به این معناست، لذا در همین رابطه است که مسأله ارث و طبقات مختلف مطرح می‌شود. طبقات یعنی لایه‌های مختلف؛ در قانون اسلام طبقات مختلفی وجود دارد که افراد طبقه ارث می‌برند، البته در صورتی که طبقه اول باشد نوبت به دوم نمی‌رسد و در عین حال هم صله رحم بر همه واجب است. یا فرض کنید در مسأله عاقله، جنایت‌های خطایی که از فرد صادر می‌شود دیه‌اش بر عهده عاقله است. عاقله یعنی چه؟ یعنی قوم و خویش‌های پدری، آن هم متناسب با شرایطی که آمده است. در اسلام هم صله رحم وجود دارد و هم عاقله را می‌بینید. بعضی گمان می‌کنند که این جور مسائل برای

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
پیاپی ۱۳۹۵

یک زمان [خاصی] بوده است که خانواده‌ها گسترده بود و الان، دیگر ارتباطی نیست؛ فلان فامیل اروپاست و فلان فامیل آمریکاست، نه این‌طور نیست. این حرف‌ها حرف‌های رطب و یابس است. اسلام تعریف خودش را از خانواده دارد. این‌ها در این‌جا نمی‌گویند دهکده جهانی و این‌گونه مسائل را گسسته از هم می‌بینند تا در نتیجه مسأله عاقله را نادید بگیرند! نمونه دیگر در روایات اتفاق و صدقه است که اول قوم و خویش‌ها، بعد همسایگان، بعد دیگران مد نظر است. در نفقه هم همین‌طور است، آن‌جاهایی که بر اساس رابطه سببی مثل زوجیت پدید می‌آید، آیا فقط نفقه فرزند بر انسان واجب است؟ یا نه چنانچه فرزند بزرگ و مکلف شد، دیگر ولایتی نسبت به او ندارد و نفقه بر او واجب نیست؟ فرزند، نوه، نتیجه، نبیره هم همین‌طور است و فرقی نمی‌کند. از این طرف هم نسبت به جدّ و اجداد همین مسأله وجود دارد. اگر کسی جدّ سومش نیازمند است و فرد تمکن مالی دارد، باید تأمینش کند. بنابراین اگر انسان بخواهد این موارد را احصاء کند بیش از این‌هاست. یعنی نفقه، ارث، توصیه‌ها نسبت به وقف به فامیل و حتی سیره‌ای که از ائمه علیهم‌السلام وارد شده که امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای عمه‌های خود وقف می‌کردند نشان می‌دهد خانواده در اسلام چنان با ابعاد خودش پیوند دارد که توصیه می‌شود - بلکه سیره چنین است - که یک چنین کارهای عام المنفعه در وهله اول برای اقوام انجام شود. فرض کنید اختلافی میان زن و مرد پدید می‌آید و باید شخصی حکم باشد. این حکم چه کسی باید باشد؟ «حَکَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَکَمًا مِنْ أَهْلِهَا» که بیاید نقشش را ایفا بکند. یک ریش سفیدی که تدبیر هم دارد، این‌ها همه نکته است و حاکی از پیوندهای عمیق خانوادگی است و نشان می‌دهد که تعریف امروزی از خانواده تعریف درستی نیست، بلکه خانواده، بسیار وسیع است و حتی لایه‌های مختلف دارد. تاکید می‌کنم این لایه‌ها هر چه نزدیک‌تر باشد در پاره‌ای از موارد این احکام ویژه‌تر است و مسئولیت بیشتری دارد. در پاره‌ای از موارد لایه‌ها به این صورت نیست. فرض کنید در اذن پدر برای ازدواج دختر، صحبت از عمو، برادر و خواهر نیست؛ صحبت از جد مادری هم نیست. صحبت پدر و جد پدری است. این‌ها همه نکات ظریفی درونش وجود دارد و به ما نشان می‌دهد که خانواده یک عرضِ عریض و وسیعی دارد و در عین حال لایه‌هایش این‌گونه نیست که همه به یک اندازه

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

باشد و در پاره‌ای از موارد متفاوت است. شما می‌بینید اجداد ثمانیه در ارث جزء طبقه سوم هستند، اما برخی از آن‌ها نقش اساسی در ازدواج دختر دارند. همه اضلاع مانند دوزنقه است.

نکته این است که بالاخره خانواده در اسلام این‌طور دیده شده است و افراد وظایف و عملکردهای مختلفی در این رابطه دارند. در نتیجه به یک معنا خیلی وسیع و گسترده است اما در عین حال هم می‌تواند یک خانواده سه نفری، چهارنفری باشد. این افراد در عین حالی که با یکدیگر ارتباط دارند ولی تحت ولایت نیستند. یعنی وقتی که پسر بخصوص دختر بالغ شد - در پاره‌ای از موارد شرطش رشد است - استقلال دارد. استقلال مالی و استقلال مختلف دارد. چنانچه بخواهد ازدواج کند هم همین‌طور است و در دختر از آن جهت که آسیب‌پذیری بیشتری دارد و این آسیب‌ها ممکن است او را تهدید کند شرایط مختلفی دارد؛ در مواردی به دلیل این‌که با شوهرش زندگی می‌کند اجازه از پدر، لازم نیست. از آن طرف هم پسر در کارهای اقتصادی خود مستقل است. مسأله صله رحم سر جای خودش است. یعنی اسلام نه آن خانواده گسترده‌ای را که در گذشته به شکل‌های گوناگون در اقوام مختلف و فرهنگ‌های مختلف وجود داشته، قبول دارد و نه خانواده هسته‌ای را به این صورت قبول دارد؛ ولی در عین حال می‌تواند ماهیت هسته‌ای مفیدی داشته و از پشتوانه قوی برخوردار باشد. یعنی خانواده پشتش به پدر، به جد، به سایر اقوام محکم است. صله رحم خودش یک تکیه‌گاه بسیار قوی است. عاقله تکیه‌گاه بسیار قوی است و مسائل دیگری که در این رابطه است احکامی هستند که در این رابطه در جای خودش پشتوانه بسیار قوی است. در نتیجه این‌که گفته می‌شود خانواده لایه‌ای، به همین معناست.

□ به بحث لایه‌لایه بودن خانواده که البته در فرهنگ غیر اسلامی چنین چیزی دیده نمی‌شود اشاره‌ای کردید. نبود این لایه‌ها در غرب چه اثری دارد؟

■ در این فرهنگ‌ها لااقل صله رحم را به آن صورت نمی‌بینیم؛ ولایت پدر و جد پدری برای دختر و امثال ذلک دیده نمی‌شود. البته در برخی از اقوام غربی این‌طور نیست ولی به هر حال یا دیگر وجود ندارد و یا خیلی کم‌رنگ شده است و آن حرمتی که در روابط

وجود دارد، «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (اسراء، ۲۳) در آن جا نیست. من یک وقت، سفری تبلیغی به خارج از کشور، به یکی از این کشورهای اروپایی داشتم، آن جا وضعیتش، وضعیت اخلاقی خاصی است. یکی از شیوه‌های تبلیغی ارتباط با خانواده‌های ایرانی است. ایرانی‌ها وقتی آن جا می‌روند بافت خاصی پیدا می‌کنند. هر چند خود این مسأله هم می‌تواند برای مبلغ آسیب‌زا باشد به نحوی که من خودم شاهد بودم و می‌دانستم که بالاخره این وضعیت وجود دارد. در آن جا صحبت از این بود که فردی فرزندش خوب عمل نکرده؛ حالا این بالاخره ایرانی بود، تا اندازه‌ای چارچوب‌ها را پذیرفته بود، ولی آن روابط بیرونی‌اش خوب نبود، الان نمی‌توانم مطلب را خیلی بازش کنم. یکبار یکی از والدین به فرزندش اعتراض کرده بود، پسر خانواده به پلیس زنگ زده بود و پلیس به همین جهت پدر خانواده را جریمه کرده بود و خانه‌ای در اختیار پسر به عنوان این که امنیت ندارد قرار داده بود. صحبت بود که در آن جا نفر اول از نظر اهمیت در خانواده بچه است، پس از آن زن، سپس سگ است و بعد از این‌ها شوهر! واقعیت این است. در این کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی، وقتی سفر تفریحی خانواده را بخواهند ترسیم کنند، ملاحظه می‌کنید که سگ با خانواده پیوند و پیوست دارد. نه پیوست بلکه جزء مجموعه است. بنابراین درست است که فرزند از نظر اقتصادی استقلال دارد و پدر هم نسبت به او ولایت ندارد اما اگر پدر در یک امری کرد و تخطی کردن از آن امر موجب اذیت و آزار شد - در صورتی که دست کم معقول باشد- باید تبعیت کرد، نباید برای پدر این وضعیت پیش بیاید، تا موجب ناراحتی او شود که گناه محسوب می‌شود. به همین راحتی این چنین برخوردی در یک کشور غربی با پدر خانواده صورت می‌گیرد که زمین تا آسمان با «وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ» (اسراء: ۲۴) تفاوت دارد.

یکی از بزرگان نقل می‌کرد، در یکی از سفرهایی که به یکی از کشورهای اروپایی داشتم، سوار ماشین شدیم که راننده به ما تفهیم کرد که در این مسیر یک روستایی است که پدرم در آن روستا زندگی می‌کند. دو، سه سالی است که او را ندیده‌ام. می‌گفت ما شاهد بودیم راننده پیاده شد و یک زنگ خانه را زد، پدر از پنجره سرش را بیرون آورد و برای هم دست تکان دادند. حالا بعد از دو سه سال دوری این عکس العمل پدر و پسر

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

است، تازه این جزو قشر نسبتاً سستی جامعه اروپا است. واقعا خانواده‌های اروپایی خانواده‌های تک هسته‌ای و بی‌پناه هستند. این الگوها وقتی وارد جامعه ما می‌شود خانواده‌ها بی‌پناه می‌شوند. طلاق‌هایی که امروزه اتفاق می‌افتد یک عاملش دست کم این مسأله است که بزرگترهای خانواده نقش خودشان را از دست داده‌اند و نمی‌توانند ورود مثبت پیدا کنند و راهی برای ورود آنها اصلاً باز نمی‌شود؛ تا کسی بخواهد حرفی بزند می‌گویند: زندگی شخصی و فردی من است، دخالت نکن! عادی شدن مسأله طلاق و گاهی تعبیرات عجیب و غریب که (دیگر زندگی تکراری شده) خیلی معنا و مفهوم دارد. در گذشته اینچنین نبود، خانواده‌ها در یک مقاطعی نقش خودشان را ایفا می‌کردند و تاثیرات معنوی روی فرزندان و نوادگان داشتند اما امروزه نمی‌توانند نقش ایفا بکنند.

خانواده در اسلام با لایه‌های مختلفی که دارد، بهترین ترسیم خانواده است که هم استقلال‌مایی دارد و هم این‌که این خانواده‌های دو نفری، سه نفری، پنج نفری از حمایت‌های مختلفی برخوردارند. مانند حمایت‌های ارثی، حمایت عاقله، صله رحم، اتفاقات و همین‌ها در تحکیم خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن نقش مهمی دارد؛ چرا؟ برای این‌که لایه قوی پشتش است.

شما نگاه کنید در همین دعای *عالیه المضامین* که بعد از زیارت‌ها خوانده می‌شود، همه را دعا می‌کنید: ازواجی، زوجیاتی، اعمامی، خالاتی؛ همه این‌ها محورند. خود این یک پیوندی بین افراد و اشخاص ایجاد می‌کند و این بسیار مهم است. انسان کسی را که دعا می‌کند اگر دعا واقعی باشد یعنی از ته دل دعا کند، معنایش این است که او را می‌خواهد و خیر را برای او طلب می‌کند. این مسأله مسأله بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار بگیرد.

□ سؤال دیگری که در ادامه همین سوال مطرح می‌شود مسئولیت اعضای خانواده نسبت به دینداری یکدیگر است. آیا اعضای خانواده نسبت به دینداری هم، یک اندازه مسئول هستند یا حیث‌های مختلف در این مسئولیت تاثیرگذار است. به عنوان مثال از طرفی مدیریت خانواده در اسلام به مرد واگذار شده است و از طرفی مادر دارای طولانی‌ترین، نزدیک‌ترین و به لحاظ عاطفی با کیفیت‌ترین رابطه با فرزند می‌باشد که طبیعتاً می‌تواند دارای اثرگذاری بیشتری باشد، این مسئولیت‌ها چگونه

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
پیاورد ۱۳۹۵

در اسلام تعریف شده است؟

■ اگر شالوده خانواده بر بنیان تقوا ریخته شود و اعضای خانواده روابط اخلاقی و صحیحی داشته باشند و نوع رابطه پدر و مادر، رابطه درست با حفظ حریم‌ها باشد این خود تاثیر مثبتی بر روی فرزندان خواهد داشت. خیلی از مواقع بخصوص اگر فرزندان متعدد باشند به صرف زندگی در یک خانواده خوب، تربیت درستی خواهند داشت. وقتی که در خانواده ادب و اخلاق حاکم باشد، دروغ‌گویی، چند رنگی، نفاق و خشونت نباشد، ایثار و گذشت باشد، این به طور ناخواسته فرزند را می‌سازد. بچه رفتارش رفتار کوشش و خطا است؛ هنوز آن طور فکر و شناختش رشد پیدا نکرده است. چطور کلمات و جملات را یاد می‌گیرد؟ با صحبت‌های ما و از زبان ما یاد می‌گیرد؟ چطور غذا بخورد؟ از خود ما یاد می‌گیرد. چطور بنشیند و بلند شود و لباس بپوشد؟ همین‌طور. به عنوان یک مثال کوچک و پیش پا افتاده فرض کنید پدر و مادر پیش فرزندان ملاحظه پوشش را نکنند؛ طبیعتاً فرزندان هم همان‌طور بار می‌آیند. اما اگر پدر مقید باشد که حتی با زیرپیراهنی هم در خانه راه نرود، به طور طبیعی کودک به تدریج از او الگو می‌گیرد و می‌گوید: می‌خواهم مثل بابام باشم، یا مثل مادر باشم. ما خیال می‌کنیم تربیت یک چیز تزیینی است نه. بسیاری از مواقع بچه‌هایی داشتیم که اصلاً به آن‌ها نماز یاد ندادیم بلکه نماز و وضو را از پدر و مادر یاد گرفتند. فرزند اگر حالت عاطفی با پدر و مادر داشته باشد تقلید رفتار پدر و مادر را دوست دارد. برای وضو گرفتن قدش نمی‌رسد می‌آید برای خودش آب را باز می‌کند و وضو می‌گیرد و بعد کم‌کم تصحیح می‌شود، مثل بقیه رفتارها. نماز هم همین‌طور. کارهای دیگر همین‌طور. یعنی آن چیزی که شالوده تربیت فرزندان است این است. آن‌چه که شما مطرح می‌کنید به آن اندازه‌ای که پدر در خانواده حضور و تاثیر دارد به همان اندازه هم ارزش‌ها را منتقل می‌کند، مادر هم به همان صورت. نوع رابطه پدر و مادر و تعامل آن دو می‌تواند روی فرزند اثر بگذارد و از هر دو متاثر باشد. بنابراین مادر می‌تواند از پدر متاثر باشد پدر از مادر متاثر باشد.

فرض کنید اگر کسی زنگ زد و با من کار داشت، بگویم: بگو نیست! چه انتظاری دارم که بچه‌ام راست بگوید. یک وقت واقعاً دستش بند است، یا الان وقت مناسبی

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

نیست مسأله فرق می‌کند. اتفاقاً در قرآن است که اگر کسی آمد و اذن خواست و می‌خواست وارد بشود، اهل خانه آمادگی نداشتند، شما برگردید مزاحم نشوید. اما ملاحظه‌کاری‌ها بچه را دروغ‌گو بار می‌آورد.

□ چه راهکارهایی برای تربیت دینداری خانواده با توجه به شرایط کنونی جامعه پیشنهاد می‌کنید، در صورت امکان راهکارهای مور نظر را با تفکیک بین راهکارهای مربوط به نهادها و راهکارهایی که خود خانواده‌ها می‌توانند برای حفظ و تقویت دینداری داشته باشند، بیان فرمایید.

■ امروزه شرایط، شرایط خیلی بدی است. متأسفانه یکی از چیزهایی که ما مبتلاش هستیم این است که تعامل درونی خانواده‌ها کمتر و تاثیرپذیری از بیرون بیشتر شده است. خانواده‌ها روابط عاطفی‌شان تحت الشعاع مسائل بیرونی قرار گرفته است. حساس‌ترین اوقاتی که زمان تعامل بین افراد خانواده است - حالا چه تعامل عاطفی چه اخلاقی - و به‌طور ناخواسته رفتارهای خانواده را جهت می‌دهد و از متغیرهای بسیار بسیار جدی است که در نبود شما دارد نقش ایفا می‌کند، همین تلویزیون است. مثلاً ۴ ساعت خانم خانه تلویزیون می‌بیند، باید حساس بود که از صدا و سیمای خودمان چه الگویی را دریافت و جذب می‌کند. آن‌ها که دیگر هیچ (ماهواره). این که خویش است. یک وقتی من این مطلب را یکی دو بار خدمت مقام معظم رهبری عرض کردم که در عین حالی این‌که این صدا و سیمای ما در مقایسه با تلویزیون سایر کشورها بالاترینیه مثل مسجد و کاباره می‌ماند، - یعنی این قدر فاصله دارد - اما خطر همین از آمریکا بدتر است. من یادام نمی‌رود آقای ضرغامی و معاونینشان آمده بودند. یک بار سه، چهار ساعت جامعه (مدرسین حوزه علمیه قم) با ایشان جلسه داشت. گفتم در گذشته خانواده‌های متدین در خودشان بودند و بعدش هم تنوعشان در همین جلسات مذهبی بود. بچه چه الگوهایی را می‌گیرد؟ چه ارزش‌هایی را جذب می‌کند؟ چه چیزهایی را به دست می‌آورد؟ آموزش و پرورش سرزنش می‌کنیم و می‌گوییم ۱۲ سال بچه‌ها در آن‌جا هستند همه مشکلات را آن‌جا می‌بینند، چرا آن‌جا را فقط می‌بینند. ما این‌جا را یک جوری رقم زدیم که تازه آن‌جا (آموزش و پرورش) از این (صداوسیما) تبعیت می‌کند.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

□ یعنی جناب عالی نقش صدا و سیما را پر رنگ‌تر از آموزش و پرورش می‌دانید؟

■ بله. حالا باز هم نمی‌توانیم در این رابطه وزن‌کشی کنیم. امروزه خود این رادیو و تلویزیون، بخصوص تلویزیون و این ارتباطات اجتماعی یا فرض کنید این شبکه‌های ماهواره‌ای یا امثال ذلک، غوغا می‌کند. یکی از دوستان فاضل و با کمالی که برای بعضی از این شبکه‌هایی که مربوط به خارج است برنامه‌هایی داشت. می‌گفت که بالاخره اصرار کردند به من که شما برای گرفتن این برنامه‌ها بد نیست یکی از این دستگاه‌ها را داشته باشید، می‌گفت من اول زیر بار نمی‌رفتم بعد اصرار کردند که برنامه خودتان را ببینید که اگر نقصی بود برطرف کنید. آمدند و نصب کردند. یک هفته گذشت گفتم آقا برش دارید ببرید. نمی‌خواهم. ببینید بزرگترها را که شرایط خاصی دارند تحت تاثیر قرار می‌دهد. این چیزها دین انسان را می‌برد، حالا چه رسد به جوان‌ها و نوجوان‌ها! اگر انگیزه‌هایی دیگری در کار باشد چه وضعیتی خواهد داشت؟!

□ در این فضا راهکار عملی چیست ؟

■ باید با اعتدال عمل کرد و من اعتقادم این نیست که تلویزیون در خانه نباشد. ما افرادی داریم که در خانواده‌شان تلویزیون نیست اما می‌بینند وضعیتشان را که چطوری است. گاهی بچه‌ها و دخترهایشان در این مجالس عقد طوری لباس می‌پوشند انگار که لباس ندارند نمی‌خواهم آن را (نداشتن تلویزیون) توصیه بکنم، چون یک وضعیت دیگری پیدا می‌کند. ولی باید کنترل و مدیریت شود. در حال حاضر پدر و مادر نمی‌توانند مدیریت بکنند. واقعا باید یک تصمیمی گرفته بشود. یعنی به عبارت دیگر تلویزیون برای کسانی که اهل تلویزیون هستند باشد. چون در گذشته هم کسانی که اهل تلویزیون بودند به قول معروف، متجددین و آن‌هایی که خیلی متدین نبودند برای آن‌ها خوب است و یک سطح آن‌ها را به دینداری نزدیک می‌کند اما برای متدین نه. بله می‌تواند یک بالانسی ایجاد بکند. ولی نتیجه‌اش چی؟ در این رابطه چه کسی ضرر می‌کند؟ خانواده‌ها ضرر می‌کنند. به هر حال امروزه خیلی سخت است. راهش چیست؟ راهش این است که بالاخره پدر و مادر باید بفهمند همه این برنامه‌ها خوب نیست. به‌طور ظریف باید کنترل بکنند؛ هرچند با ابزارهای خاصی بعضی شبکه‌ها بعضی ساعات باشد. با کمی دور هم نشستن لااقل ساعتی خاموش

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

کنند، با هم حرف بزنند و گپ بزنند. آن هم گپی که همراه با لذت باشد. این طور نباشد که حالا این از آن گلایه‌مند باشد، این از او گلایه‌مند باشد. باید خیلی سرمایه‌گذاری شود ولی در عین حال اگر انسان خودش را از نظر رفتاری و اخلاقی ملاحظات لازم را داشته باشد - حالا چه در روابط خودش و چه در روابط با بچه‌هایشان اخلاق حاکم باشد. به معنای وسیع کلمه ایثار، گذشت، و صداقت داشته باشند، بنای این نباشد که همدیگر را تحقیر بکنند، بنا داشته باشند به این که همه این‌ها برخوردار باشند از مواهب زندگی - بنابراین این آثار خودش را دارد آن هم باید مدیریت بشود. کسانی که می‌گویند ما نشان می‌دهیم این خود آدم‌ها هستند که باید انتخاب بکنند، یک تفکر اگزیستانسیالیستی است. حالا من نمی‌خواهم ورود پیدا بکنم که چرا این غلط است. چون افراد همه یک جور نیستند و گاهی مواقع بر اساس انگیزه‌ها، هیجانات و طرز فکر خودشان انتخاب می‌کنند این‌طور نیست که هر چیزی به ایشان توصیه شود، بتوانند تحلیل درست کنند و واقعا به خوب و بدش برسند، نه؟ آدم‌ها خیلی با هم تفاوت دارند در نتیجه این یک توصیه‌ای نیست که قابل قبول باشد. خب باید چه کرد؟ می‌شود به دنبال هر قسمتی از بعضی از این سریال‌ها یک کسی خیلی خوش لباس یک تحلیل زیبا و قشنگی نسبت به آن بکند. گاهی مواقع بعضی از سریال‌هایی هست که از ترکیه می‌گیرند یا جاهای دیگر می‌گیرند آن‌ها همین کار را انجام می‌دهند بخصوص جاهایی که مثلا یک کسی بد عمل کرده روابط اجتماعی‌اش بد بوده آثار بدش ظاهر شده چه شده قسمت به قسمت فقط یک فرد خوش لباس تاثیرگذار توضیح دهد، ولی مثل این که این جور کارها کسرمان است.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵